

بررسی مقایسه‌ای عملکرد اقتصادی دو کشور ازبکستان و قزاقستان با رویکرد نولیبرال (۲۰۱۰-۱۹۹۱)

سید داوود آقایی*

استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

ابراهیم طاهری

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۳/۳۰)

چکیده

رویکرد نولیبرال با هدف پیشبرد توسعه در کشورهای مختلف سیاست‌های مختلفی را از جمله اصلاح نظام پولی و مالی، خصوصی‌سازی و حذف موانع پیش‌روی سرمایه‌گذاری خارجی طرح می‌کند. از آغاز فروپاشی اتحاد شوروی کشورهای آسیای مرکزی رویکردهای متفاوتی را نسبت به اصلاحات اقتصادی و حرکت به سوی بازار آزاد با هدف توسعه اقتصادی در پیش گرفتند و به نتایج متفاوتی رسیدند. برای نمونه درحالی‌که ازبکستان در این دوره، رشد اقتصادی ۲/۵ درصد را به دست آورده است، قزاقستان با ۱۰ درصد رشد اقتصادی در میان ۱۰ کشور برتر جهان در این زمینه قرار دارد. این کشور دو سوم اقتصادش را خصوصی کرده است، پیشرفته‌ترین کشور منطقه از نظر اصلاحات اقتصادی است، حجم دولت در این کشور نسبت به ازبکستان خیلی کوچک‌تر است؛ ولی ازبکستان در همه این موارد در میان پنج کشور منطقه آسیای مرکزی جایگاه چهارم و یا پنجم را دارد. این تفاوت در وضعیت دو کشور به دلیل تطابق زودهنگام اقتصاد قزاقستان با سیاست‌های نولیبرال در ارتباط با اصلاحات اقتصادی و به تأخیرانداختن اصلاحات اقتصادی در ازبکستان است. هدف این نوشتار بررسی اقتصاد سیاسی ازبکستان و قزاقستان براساس این شاخص‌ها با در نظر گرفتن رویکرد نولیبرالی است.

کلیدواژه‌ها

ازبکستان، اصلاحات، بازار آزاد، بخش خصوصی، قزاقستان، قیمت‌ها، نولیبرال.

مقدمه

در دوره بعد از فروپاشی اتحاد شوروی کشورهای آسیای مرکزی با هدف دستیابی به توسعه از ابزارهای متفاوتی استفاده کرده‌اند؛ برای نمونه، تلاش کرده‌اند تا به عضویت در سازمان تجارت جهانی درآیند، با کشورهای هم‌جوار وارد روابط و معاملات تجاری شدند، راهبردهای توسعه‌ای مختلفی همچون توسعه صادرات، جایگزینی واردات در پیش گرفتند، به نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای مانند جامعه کشورهای مستقل هم‌سود به رهبری روسیه، سازمان همکاری‌های اقتصادی (ا.ک.و)، جامعه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای و سازمان همکاری آسیای مرکزی پیوسته‌اند؛ اما همه این اقدام‌ها نتیجه‌های متفاوتی را برای کشورهای این منطقه به‌ویژه ازبکستان و قزاقستان در پی داشته است. درحالی‌که قزاقستان با تجربه سالانه ۱۰ درصد رشد اقتصادی بهترین عملکرد را در میان کشورهای آسیای مرکزی دارد، ازبکستان با تجربه سالانه ۲ درصد رشد اقتصادی و توسعه‌یافتگی کمتر به میزان اندکی به هدف‌های خویش در راستای توسعه اقتصادی رسیده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که ریشه موفقیت قزاقستان و موفق نبودن ازبکستان در این رابطه چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت که قزاقستان راهبرد تهاجمی آزادسازی اقتصادی را برگزیده است؛ درحالی‌که ازبکستان محافظه‌کارتر بوده و تلاش کرده است تا با در پیش گرفتن راهبرد تدریجی در بلندمدت به توسعه اقتصادی دست پیدا کند. قزاقستان آشکارا سیاست‌هایی را دنبال می‌کند که از سوی نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (سیاست‌های نولیبرال) دنبال می‌شود. همین مسئله می‌تواند، عامل موفقیت یکی و ناکامی دیگری در این حوزه باشد.

به همین دلیل در بخش اول نوشتار، مکتب نولیبرال اقتصاد سیاسی را بررسی می‌کنیم، در بخش دوم تفاوت در راهبرد دو کشور در دوران گذار اقتصادی را مورد توجه قرار خواهیم داد، در بخش سوم با توجه با نگاه نولیبرال و شاخص‌های اصلی‌اش همچون، آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، اصلاح نهادهای پولی و مالی، آزادسازی قیمت‌ها، قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های پولی و مالی، سرمایه‌گذاری و سیاست این دو کشور در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ خواهیم پرداخت و در پایان نتیجه‌گیری می‌کنیم.

بخش اول: نولیبرالیسم در عرصه اقتصاد سیاسی

رویکردهای نظری مانند لیبرالیسم، نولیبرالیسم، مارکسیسم و نومارکسیسم برپایه اصول و مفروض‌های پارادایمی متفاوتی بنیان گذاشته شده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). همین

اصول و مفروض‌ها می‌تواند جریان توسعه را در کشورهای مختلف تحت تأثیر قرار دهد. در دهه ۱۹۸۰، تحولات و آزادسازی اقتصادی در آمریکا، در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان و در انگلستان در زمان نخست‌وزیری مارگارت تاچر، آغاز شد. تاچر و ریگان برای خروج از رکود اقتصادی مجموعه‌ای از اصلاحات را در دستور کار قرار دادند. اگرچه مقررات‌زدایی مالی در این دو کشور از اواخر دهه ۱۹۷۰ در زمان ریچارد نیکسون در آمریکا و جیمز کالاهان در انگلستان شروع شده بود؛ ولی بخش مهم محدودیت‌های مالی در دهه ۱۹۸۰ حذف شد. ریگان و تاچر سرسختانه در پی جداسازی سیاست از اقتصاد بودند و آزادسازی اقتصادی، به شکل کلی و مقررات‌زدایی مالی، به ویژه در دوره حکومت آن‌ها در این دو کشور آغاز شد (Harvey, 2005: 65). به هر حال، تحولات مقررات در دهه ۱۹۸۰ هرگونه که ارزیابی شود، تحولات شایان توجه مالی و اقتصادی در پی داشت و سبب شکل‌گیری آموزه‌های نولیبرالیسم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل شد.

با این وجود، اصول نولیبرالیسم با طرح «اجماع واشنگتن»^۱ به وسیله «جان ویلیامسون» رسمیت یافت. توصیه‌های دهگانهٔ اجماع واشنگتن از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به عنوان راه‌کارهای توسعه اقتصادی در دستور کار قرار گرفت. این توصیه‌ها را اینگونه می‌توان برشمرد: ۱. انضباط مالی؛ ۲. تنظیم دوباره اولویت‌های هزینه‌های عمومی؛ ۳. اصلاح نظام مالیاتی؛ ۴. آزادسازی نرخ‌های بهره؛ ۵. برقراری نرخ ارز رقابتی؛ ۶. آزادسازی تجاری؛ ۷. آزادسازی سرمایه‌گذاری خارجی؛ ۸. خصوصی‌سازی؛ ۹. مقررات‌زدایی؛ ۱۰. حمایت از حقوق مالکیت (Williamson, 2000: 258-260). از آنجایی که هدف این نوشتار بررسی عملکرد اقتصادی قزاقستان و ازبکستان با رویکرد نولیبرال است؛ بنابراین، با در نظر گرفتن این مؤلفه‌ها سیاست‌های اقتصادی قزاقستان و ازبکستان بررسی خواهد شد.

بخش دوم: تفاوت راهبرد و شرایط سیاسی متفاوت دو کشور در دوران گذار

از زمان استقلال تانگون، جمهوری‌های آسیای مرکزی راهبردهای مختلفی را با هدف توسعه اقتصادی در پیش گرفته‌اند. برای نمونه، ازبکستان از ابتدای سال ۱۹۹۱ مدل ویژه ازبکی را با هدف برساختن اقتصاد بازاری برگزید. این مدل بر گذار تدریجی و اولویت اقتصاد بر سیاست تأکید دارد؛ به گونه‌ای که نقش برتر دولت در اصلاحات اقتصادی و حفظ این برتری در همه بخش‌های بازار به رسمیت شناخته می‌شد. توسعه اقتصادی از راه سرمایه‌گذاری‌های دولتی نتیجه استخراج منابع طبیعی و تولیدی به‌ویژه در بخش کشاورزی و پنبه است. به همین دلیل،

دیگر بخش‌های اقتصاد در این کشور به شدت تحت تأثیر منابع تولیدی در بخش کشاورزی مانند پنبه هستند (Alam and Banerji, 2000). بنابراین دولت با حفظ نقش برتر خود از اصلاحات و آزادسازی شتاب‌زده اقتصادی اجتناب و براساس مدل چینی، آزادسازی گام‌به‌گام را در دستور کار قرار داد.

در این دوران، قزاقستان بنابر تعریف ریچارد پام فرت و کاترین اندرسون، اگرچه در آغاز از مسیر شبه لیبرالی پیروی کرد؛ اما همان‌گونه که زمان می‌گذشت نقش قوه مجریه به‌ویژه شخص نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان در اصلاحات اقتصادی بیشتر می‌شد و این کشور به الگوی «سرمایه‌داری رفاقتی»، نه بازار آزاد نزدیک می‌شد (Anderson and Pomfret, 2002: 185-200). دولت راهبرد توسعه صادرات را به‌عنوان راهبرد توسعه‌ای این کشور برگزید. تفاوت مدل قزاقی با مدل ازبکی در حوزه‌هایی همچون، آزادسازی تجاری، خصوصی‌سازی شرکت‌ها، آزادسازی قیمت‌ها و سیاست‌های پولی و مالی است (Alam and Banerji, 2000). در ازبکستان دولت به‌عنوان مهندس و معمار اصلی اقتصاد تلاش می‌کرد تا شرکت‌های دولتی با سود اندک را وارد جریان خصوصی‌سازی کند؛ اما قزاقستان که براساس مدل روسی به‌سوی اصلاحات اقتصادی حرکت می‌کرد، بعد از شروع فرایند خصوصی‌سازی در روسیه از سال ۱۹۹۱ در این کشور نیز فرایند خصوصی‌سازی را با پایه‌گذاری کمیته املاک دولتی آغاز کرد (عطایی و نوروزی زرمهری، ۱۳۹۴: ۶). دولت، شرکت‌های متوسط را نیز وارد فرایند خصوصی‌سازی کرد و به سرمایه‌گذاران در این کشور معافیت مالیاتی اعطا کرد (Buchman, 2004).

بخش سوم: بررسی سیاست‌های دو کشور با توجه به مؤلفه‌های نولیبرال

الف) مقایسه سیاست‌های پولی و مالی

ازبکستان در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ سیاست مالی و پولی محتاطانه‌ای را درپیش گرفت. در این سال‌ها به‌دلیل ماهیت انزواگرایانه و توسعه‌نیافته سیستم مالی، بازار مالی و سرمایه به‌شکل کامل توسعه‌نیافته باقی ماند؛ زیرا رویکرد حکومت در ارتباط با اصلاحات اقتصادی تدریجی و مرحله به مرحله بود و اصلاحات در بخش مالی و بانکی به آرامی صورت پذیرفت. نرخ سپرده‌ها و تأثیرات آن بر تولید ناخالص داخلی در ازبکستان همچون همه کشورهای مستقل هم‌سود یکی از پایین‌ترین نرخ‌ها را به‌خود اختصاص داد و نسبت آن به کل تولید ناخالص ملی خیلی اندک بود. برای نمونه، درحالی‌که در سال ۲۰۰۱ این رقم حدود ۳۸ درصد از تولید ناخالص ملی را به‌خود اختصاص می‌داد، در سال ۲۰۰۸ این رقم به حدود ۱۴ درصد کاهش پیدا کرد که نسبت به همه کشورهای هم‌سود پایین‌ترین میزان را دارد

(Asian Development Bank, 2013). در نظام بانکی این کشور همچنان بانک‌های دولتی نقش برتر را دارند و بیش از نیمی از سرمایه، دارایی‌ها و وام‌ها از راه بانک‌های دولتی تأمین می‌شود (Mizuno, 2009: 1).

در مقایسه با ازبکستان، بخش مالی قزاقستان به‌خوبی در اقتصاد جهانی ادغام شد و در شمار قوی‌ترین بخش‌های اصلاحات کلان اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ در میان کشورهای مستقل هم‌سود بود و همواره به‌وسیله همسایگان این کشور تحسین شده است. با تدبیر حکومت و دولت‌مردان این کشور، این بخش به‌تدریج خود را با نظام بازار آزاد تطبیق داد که البته به معنای نبود چالش در این بخش نیست. همه این موفقیت‌ها به این دلیل است که قزاقستان با تیم مشاوره صندوق بین‌المللی پول در این مورد همکاری می‌کند (Hindley, 2008: 15-19). بانک‌های این کشور میزان زیادی از اعتبار خود را که حدود ۴۴ درصد از تولید ناخالص ملی قزاقستان است را از راه دریافت وام از خارج تأمین می‌کنند. هدف از این کار، پیشبرد توسعه شتابان است. این مسئله، به قزاقستان این امکان را داده است تا در سال ۲۰۰۹، ۴۸/۲ میلیارد دلار صادرات داشته باشد. هم‌اکنون ۳۵ بانک داخلی و خارجی در این کشور فعالیت می‌کنند، در ازبکستان ۲۹ بانک فعالیت می‌کنند. از میان ۳۵ بانکی که در قزاقستان فعالیت می‌کنند، ۱۷ بانک خارجی وجود دارد. این درحالی است که در ازبکستان تنها ۴ بانک خارجی فعالیت می‌کنند (Mizuno, 2009: 1).

سیاست پولی نیز به‌عنوان ابزار گسترش اقتصاد به‌شکل متفاوتی به‌وسیله دو حکومت مورد استفاده قرار گرفته است. با اینکه مقام‌های ازبک رشد اقتصادی این کشور را در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، ۴ تا ۵/۴ درصد اعلام کرده‌اند؛ اما صندوق بین‌المللی پول این میزان را یک تا دو درصد برآورد کرده است. نرخ تورم در سال ۲۰۰۴ به ۵۰ درصد رسید (BMA, 2013). به همین دلیل در این زمان (۲۰۰۴-۲۰۱۰) نرخ بهره حقیقی به‌صورت صعودی بالا رفت و از ۷ درصد به ۲۱ درصد و حتی گاهی به ۲۲ درصد نیز رسید. نرخ بهره حقیقی در این دوران به‌وسیله بانک مرکزی که سیاست‌هایش را حکومت تعیین می‌کرد، کم‌وزیاد می‌شد. شرکت‌های کوچک از این نرخ بهره به‌شدت ضرر کردند، این درحالی است که شرکت‌های بزرگ به‌دلیل کنترل بر بانک، از این سیاست سود بردند. سیستم بانکی به‌شدت متمرکز است. بانک مرکزی ازبکستان که یک بانک دولتی است بزرگ‌ترین نهاد تجاری در این کشور است (Cornia, 2003: 14). این درحالی است که نرخ بهره حقیقی در قزاقستان به‌صورت تدریجی و در نتیجه تدبیر بانک مرکزی، مستقل از سلطه حکومت، بالا رفت؛ زیرا در این کشور بانک مرکزی استقلال لازم را دارد.

در ارتباط با نرخ ارز به عنوان یک سیاست پولی نیز ازبکستان تنها کشور در فضای پس از فروپاشی اتحاد شوروی است که معاملات ارزی آن در بخش بانکداری- مالی با دو نرخ «رسمی» (بورس) و نرخ «بانک مرکزی» انجام می‌شود. به همین دلیل، در این کشور «بازار سیاه» فعال است و در عمل، تبدیل آزاد ارز وجود ندارد. به دنبال فشارهای صندوق بین‌المللی پول و تلاش‌های این کشور برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، این کشور از نظام نرخ چندجانبه عقب‌نشینی کرد و نظام نرخ مبادلاتی واحد را برگزید. این موضوع به افزایش تقاضا برای ارز خارجی منجر شد (Anderson and Klimov, 2012: 15).

اما این وضعیت در قزاقستان محدودی متفاوت است. تا زمان نشر پول ملی (تنگه) در ۱۵ نوامبر ۱۹۹۳، قزاقستان عضو منطقه روبل بود (که در آن روسیه وظیفه تأمین پول را برعهده داشت (Kulekeev, 2003: 29). بین اوت ۱۹۹۸ و فوریه ۱۹۹۹ ارزش تنگه و نرخ بهره، ۱۰ درصد کاهش یافت (در مقایسه با ازبکستان که آن را از ۷ درصد به ۶ درصد در سال ۲۰۱۲ کاهش داده است (IMF, 2012: 14). از این سال به بعد، بانک مرکزی سیاست شناور را دنبال می‌کرد و گاهی نیز در این مسائل - برای مقابله با دلار آمریکا- دخالت می‌کرد. با وجود دنبال کردن کاهش ارزش تنگه تا سال ۲۰۰۶، نرخ مبادله آن در مقابل دلار آمریکا، ۱۳۰ واحد از تنگه در مقابل ۱ دلار آمریکا بود (Pomfret, 2008). صندوق بین‌المللی پول از ترتیبات مبادله‌ای قزاقستان به عنوان «شناور دارای استقلال» به معنای نرخ مبادله‌ای که به وسیله بازار با کمترین دخالت توسط دولت یا بانک مرکزی تعیین می‌شود، نام می‌برد (IMF, 2012: 14-15).

شایان توجه اینکه بازار مالی در ازبکستان نسبت به قزاقستان در مرحله جنینی قرار دارد و خیلی کوچک است. در سال ۲۰۰۶ نقش سرمایه در بازار سهام حدود ۱/۶ میلیارد دلار برابر با ده درصد از تولید ناخالص داخلی بود. در حالی که در قزاقستان حدود ۵۶/۶ میلیارد دلار برابر با ۷۰/۴ درصد از تولید ناخالص ملی بود. سرمایه در گردش در بازار بورس در سال ۲۰۱۳ در ازبکستان ۵/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی و در قزاقستان ۷ درصد بوده است (Arakelyan, 2013: 13).

ب) مقایسه سیاست‌های مالیاتی

سیاست‌های مالیاتی یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر بازتوزیع درآمدها و کاهش فقر و نابرابری درآمدی در جامعه است. با مقایسه سیاست مالیاتی دو کشور مشخص می‌شود که مالیات بر درآمدهای شخصی در ازبکستان از سال ۱۹۹۸ آغاز شد و در سال ۲۰۰۴ این کشور

شاهد کاهش در مالیات شماری از طبقات درآمدی بود (از ۶ تا ۳ درصد را شامل می‌شد) که مالیات‌بندی متوسط را نشان می‌دهد. کاهش نرخ مالیات پرداخت‌کننده مالیاتی ثروتمند، برای تشویق این گروه به مالیات‌دهی سودمند است. با این وجود، نرخ مالیات بر صاحب کمترین میزان درآمد از صفر در سال ۱۹۹۸ به ۱۳ درصد در سال ۲۰۰۴ رسید، درحالی‌که کاهش نرخ مالیاتی برای طبقات بالاتر از ۴۰-۴۵ درصد به ۳۰ درصد کاهش یافت (Norregaard and Khan, 2007: 15-16).

در همین زمان، نرخ پایه مالیات بر درآمد شرکت‌ها از ۳۵ درصد به ۱۸ درصد کاهش یافت که برای تجارت خوب است. شایان توجه اینکه اصلاحات، سبب از میان‌رفتن بسیاری از رفتارهای ترجیحی برای فعالیت‌های اجتماعی خاص شد؛ درحالی‌که رفتارهای ترجیحی را برای شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های کوچک حفظ و حتی در مواردی بیشتر کرد. برای نمونه در سال ۱۹۹۸، رفتارهای ترجیحی برای شرکت‌هایی که بیش از یک میلیون دلار سرمایه وارد کشور می‌کردند در نظر گرفته شد. مهم این است که شرکت‌های مشمول طرح سرمایه‌گذاری حکومتی، برای ۷ سال از پرداخت مالیات برای واردکردن تکنولوژی اطلاعاتی، مهندسی و مواردی دیگر معاف می‌شدند (Akimov and Dollery, 2009: 4-7). با نگاهی به نرخ مالیات حقیقی که شرکت‌های کوچک و متوسط از سال ۲۰۰۰ پرداخته‌اند، مشخص می‌شود که نرخ آن خیلی بیشتر از میزان آن در عرصه بین‌المللی است. برای نمونه، بازرگانان خرده‌پای بخش کشاورزی، تجاری و ساخت‌وساز حدود ۲۱ درصد از درآمدشان را برای مالیات پرداخته‌اند که ۳ درصد از ۱۸ درصد به‌عنوان یک کل بیشتر است. موانع مادی پیش‌روی شرکت‌ها نیز در این دوره افزایش یافت. در مه ۲۰۰۳، تعرفه‌های گمرکی جدیدی برای کسانی که کالاهایی را از خارج وارد می‌کردند به‌کار گرفته شد، حدود ۵۰ درصد برای مواد غذایی و تجهیزات صنعتی و حدود ۹۰ درصد برای دیگر کالاها (IMF, 2012: 15). بنابراین آمارهای بانک جهانی در سال ۲۰۱۲ به‌شکل متوسط میزان تعرفه‌ها برای کالاهای وارداتی ۱۴/۵ درصد در ازبکستان و ۹/۵ درصد در قزاقستان بوده است. دولت قزاقستان در تلاش برای رونق‌بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی، نظام مالیاتی این کشور را در سال ۲۰۰۹ بازنگری کرد که با به‌کارگیری آن، مالیات شرکت‌ها کاهش یافت و نرخ مالیات اجتماعی ثابت شد. بر این اساس مالیات شرکت‌ها ۱۵ الی ۲۰ درصد کاهش یافت و از ۳۰ درصد در سال‌های پیش خیلی کمتر شد.

ج) خصوصی سازی در دو کشور

خصوصی سازی در میان کشورهای آسیای مرکزی معمولاً به آرامی دنبال می شود و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. همه این کشورها سه مرحله را در خصوصی سازی دنبال می کردند: مرحله اول، بر خصوصی سازی شرکت های کوچک، شرکت های خرده پا و ساخت وسازها و بازرگانان خرده پا متمرکز بود؛ مرحله دوم، خصوصی سازی شرکت های متوسط بود و مرحله سوم، شرکت های بزرگ با گروه استخدای بالای ۵ هزار نفر را شامل می شد. در قزاقستان خصوصی سازی در این کشور در سال ۱۹۹۱ آغاز شد. و خصوصی سازی کوپنی انجام شد. خصوصی سازی در سال ۱۹۹۶ حدود ۷۰ درصد از شرکت های خدماتی کوچک فروخته شدند، ۸۰ درصد از زمین ها خصوصی شدند و حدود ۶۰ درصد از ۱۷۰۰ شرکت متوسط و بزرگ نیز خصوصی شدند؛ با این وجود، تنها حدود پنج شرکت از ۱۸۰ شرکت خیلی بزرگ که بیشتر از ۵ هزار نفر کارمند داشتند، خصوصی شدند (Zakov, 2003: 8-10).

از سال ۲۰۰۳ نقش دولت در بخش خصوصی قزاقستان و سهم بخش دولتی در خصوصی سازی خیلی کم شد، به گونه ای که مقام های دولتی اعلام کردند که از این سال همه شرکت های دولتی خصوصی شدند؛ البته چندین شرکت بزرگ هنوز خصوصی نشده اند. از ۳ شرکت باقی مانده یکی ۳۰ درصد، دیگری ۵۰ درصد و یکی کاملاً دولتی باقی مانده است. در سال ۱۹۹۷ حدود ۸۰ درصد از شرکت های تولید نیروی برق در این کشور خصوصی شدند، این در حالی است که در سال ۲۰۰۱ همه شرکت های توزیع نیروی منطقه ای خصوصی شدند. در سال ۱۹۹۷، ۱۰۰ درصد از شرکت های کوچک خصوصی شدند، ساخت وساز نیز کاملاً خصوصی شد، بیشتر شرکت های بزرگ نیز خصوصی شدند. به همین دلیل است که در این سال، شاخص آزادی سازی اقتصادی برای قزاقستان براساس شاخص دی ملو، ۶۰٪ و برای ازبکستان ۵۰٪ بود (De Melo and Others, 1997).

ازبکستان نیز در سال ۱۹۹۴ با گذراندن قانونی، تلاش کرد تا خصوصی سازی به صورت اولویت بندی شده انجام شود. شرکت هایی که در بخش ساخت وساز، مهندسی، غذا و صنایع نوری قرار گرفتند در این چارچوب انتخاب شدند تا در مورد آنها خصوصی سازی انجام شود، همه این موارد را ازبکستان در سال ۱۹۹۴ انجام داد (Troschke and Zeitler, 2006: 107). حکومت تلاش می کرد که مدل چینی اصلاحات اقتصادی در کشاورزی را

با دادن امکان برخورداری زمین‌های خصوصی از یک‌سری حقوق دنبال کند. درحالی‌که مالکیت دولتی و رسمی بر زمین‌ها حفظ شد و نظام قیمت‌گذاری دوگانه به‌کار گرفته شد. مزارع دولتی در سال ۱۹۹۴ اشتراکی شد و زمین‌ها به بخش خصوصی واگذار شد. در بخش کشاورزی نیز خصوصی‌سازی همچون بخش صنعت در این دو دهه به‌کندی پیش رفت و بیشتر از پایین یعنی ایجاد شرکت‌های کوچک جدید بود. در همه این سال‌ها دولت همچنان در اقتصاد این کشور نقش برتر را بازی می‌کند. فرایند خصوصی‌سازی شرکت‌های بزرگ دولت، با طرح آن‌ها در بورس به چهار گروه مهم درونی‌ها، بیرونی‌ها، خارجی‌ها و دولتی‌ها در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. ۲۵ درصد درونی‌ها به مدیران و کارمندان داده شد؛ اما بخش مربوط به بیرون از شرکتی‌ها (ملت) و خارجی‌ها فروخته نشد و در نتیجه دولت بیشتر سهام مربوط به این شرکت‌ها را برای خود حفظ کرد (Asian Development Bank, 2005). با این وجود، بعد از گذشت سال‌ها از فرایند خصوصی‌سازی در سال ۲۰۱۰، حدود ۱۹۲۵ شرکت در ازبکستان ثبت شد که ۷۵ درصد مالکیت دولتی دارند. تنها ۱۰ شرکت از این تعداد در این سال در بورس اوراق بهادار تاشکند عرضه شد و در ژوئیه ۲۰۱۰ این میزان به ۱۸ شرکت رسید که بیشتر شرکت‌های کوچک و از گروه بانک‌های تجاری و متعلق به دولت بودند (Bendini, 2013: 7).

د) قوانین سرمایه‌گذاری در دو کشور

کارگزار عمومی قزاقستان و شورای سرمایه‌گذاران از ابتدای شکل‌گیری این جمهوری همه سرمایه‌گذاران خارجی را به حضور در قزاقستان دعوت می‌کند. برای نمونه، «قانون سرمایه‌گذاری خارجی» مصوب ۲۷ دسامبر ۱۹۹۴، سرمایه‌گذاران خارجی را در مقابل ملی‌گرایی - مصادره، تغییر قوانین، اقدام غیرقانونی به‌وسیله نهادهای دولتی یا سوء استفاده مقام‌ها حمایت می‌کند. همچنین قانون «حمایت دولتی از سرمایه‌گذاری مستقیم»، دارایی‌های دولتی، امتیازهای انحصاری، درآمد و زمین، معافیت مالیاتی برای یک دوره پنج‌ساله، آزادی برای واردکردن برخی ماشین‌آلات مورد نیاز از خارج در دوره‌های مختلف اعطا می‌کند. همچنین در چارچوب قانون «برای خدمت»، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند زمین خاص خود را داشته باشند (Khusainov and Berentaev, 2004: 80-81).

در سال‌های اخیر حجم سرمایه‌گذاری اروپا و آمریکا در اقتصاد قزاقستان بسیار افزایش یافته است (کولابی و شیرازی موگویی، ۱۳۹۵: ۱۳۴). در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۷ قزاقستان حدود ۸۹/۷ میلیارد دلار آمریکا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرد که بعد از روسیه در میان

کشوری‌های مستقل هم‌سود در جایگاه دوم قرار دارد. این کشور در سال ۲۰۱۰ با جذب ۱۸/۵ میلیارد دلار بیشترین میزان سرمایه مستقیم خارجی را در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جذب کرد (UNCTAD, 2011). در ازبکستان نیز «قانون حمایت و تضمین سرمایه‌گذاری‌های خارجی» و «قانون حفظ حقوق سرمایه‌گذاران خارجی» در ۳۰ آوریل ۱۹۹۸ تصویب شد تا چارچوب قانونی لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم کند. این قانون نوع حوزه‌هایی را که سرمایه‌گذاران می‌توانند در آن سرمایه‌گذاری کنند، شرایط حاکم بر میزان سود، به‌دست‌آوردن درآمد و شرایط عمومی و تضمین حقوق سرمایه‌گذاران را مشخص می‌کند.

در چارچوب قانون سرمایه‌گذاری‌های خارجی، شرکت‌های خارجی ملی نمی‌شوند یا بدون پرداخت غرامت مصادره نمی‌شوند و از آن‌ها در برابر تغییرهای غیرمنتظره در چارچوب یک دوره ۱۰ ساله حمایت می‌شود. البته ۱ سال ضمانت در مقابل تغییرهای مالیاتی در این کشور به شدت آسیب‌پذیر است. برای نمونه، با بالارفتن مالیات یا تغییرهای کلی در نظام مالیاتی، آن‌ها باید مالیات بیشتری بپردازند (PWC, 2014: 8). با وجود این، دولت هم‌اکنون سرمایه‌گذاری‌هایی را جذب می‌کند که براساس راهبرد جایگزینی واردات و سیاست‌های صنعتی صادرات‌گرا و مانع سرمایه‌گذاری در بخش واردات و مصرف است. در نتیجه، در سال ۲۰۱۲ تنها حدود ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی (۵۰ میلیارد دلار) این کشور یعنی ۱ میلیارد دلار از راه سرمایه‌گذاری خارجی به‌دست آمد (Export. Gov, 2014). شایان توجه اینکه با همه این تغییرها در سیستم سرمایه‌گذاری این کشور، نزدیک به سه چهارم از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آسیای مرکزی در قزاقستان صورت می‌پذیرد.

ه) آزادسازی قیمت‌ها در دو کشور

در ژانویه ۱۹۹۲ قزاقستان قیمت‌های داخلی را آزاد کرد، این برنامه آزادسازی ۸۰ درصد از قیمت‌های اصلی و ۸۵ درصد از خرده قیمت‌ها را شامل می‌شد؛ اما به دلیل حساسیت بر روی برخی از کالاها مانند نان، شیر و گوشت همچنان قیمت این کالاها به صورت کنترل‌شده و تنظیمی باقی ماند. بخش‌های دیگر همچون حمل‌ونقل، ارتباطات و انرژی از امتیازها و استثناهایی برخوردار شدند (Aslund, 2013: 166). این وضعیت به همین صورت حفظ شد تا اینکه در ژانویه ۲۰۰۲ آزادسازی قیمت کالاهای دیگر همچون، حمل‌ونقل و خدمات عمومی، نان، غذای کودک و برخی از سوخت‌ها و منابع انرژی نیز در دستور کار قرار گرفت و با موفقیت انجام شد. به شکلی که می‌توان گفت، هم‌اکنون همه قیمت‌ها در این کشور به‌دور از

کنترل دولت، به وسیله نهاد عرضه و تقاضا تعیین ارزش می‌شوند (Wandel and Kozbagarova, 2009: 7).

ازبکستان نیز از ابتدای سال ۱۹۹۲ آزادسازی کامل قیمت‌ها را در دستور قرار داد؛ اما آزادسازی در این بخش نیز حاشیه‌ای بود. به شکلی که دولت در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۵، به جای آزادسازی سریع قیمت‌ها، تلاش کرد تا قیمت‌ها را کنترل کند و آزادسازی تدریجی قیمت‌ها را در دستور کار قرار داد. با آغاز سال ۱۹۹۵ فرایند آزادسازی قیمت‌ها با جدیت دنبال شد؛ حتی قیمت‌های حامل‌های انرژی در سال ۱۹۹۶ به قیمت‌های جهانی نزدیک شد. با این وجود قیمت پنبه، گوشت، آب و خدمات ارتباطی در این کشور همچنان کنترل شده بود. در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ دولت مجبور شد تا از قیمت برخی کالاها عقب‌نشینی کند. برای نمونه، کشاورزان در این دوره، همچنان از سوبسیدهایی (آب، مواد شیمیایی و تقویت‌کننده‌ها) برخوردار بودند و تاکنون نیز این بخش‌ها از سوبسید بهره‌مندند؛ زیرا دولت در پایان سال این محصولات را با قیمت دلخواه از کشاورزان می‌خرد (Cornia, 2003: 116).

و) مقایسه موانع تجاری در ازبکستان و قزاقستان

موانع تجاری یکی از دلایل توسعه‌نیافتگی در آسیای مرکزی است. شدت این مسئله به حدی است که برخی از این کشورها تاکنون به عضویت در سازمان تجارت جهانی موفق نشده‌اند. قزاقستان با هدف عضویت در سازمان تجارت جهانی و پیشبرد جریان توسعه از سال ۱۹۹۶ عوارض صادراتی را محدود و حتی در برخی سال‌ها حذف کرد. در این سال میانگین تعرفه بر واردات به ۱۲ درصد رسید، حتی در سال ۲۰۰۲ این میزان به ۸ درصد رسید و در سال ۲۰۱۱ به ۴ درصد رسید؛ این در حالی است که میزان تعرفه تجاری ازبکستان در سال ۱۹۹۵ حدود ۱۸ درصد بود که البته نرخ‌های بالاتری به کار گرفته می‌شد و حتی در سال‌های اخیر تشدید و به بالای ۲۰ درصد رسیده است (Pomfert, 2011: 38). هم‌اکنون تعرفه‌های وارداتی در این کشور ۱۲/۶ درصد است که دوبرابر تعرفه وارداتی در قزاقستان یعنی ۶/۷ درصد است (Bendini, 2013: 18). هزینه صادرات کالا به همه کشورهای آسیای مرکزی در سطح بالایی قرار دارد و این مسئله به‌ویژه در مورد ازبکستان بیشتر صدق می‌کند. ۹۲ روز زمان لازم است تا کالایی وارد ازبکستان شود. شایان توجه اینکه، ۱۰۲ روز زمان می‌برد تا کالایی از این کشور خارج شود. ۱۳ سند لازم است تا کالایی وارد قزاقستان شود و برای صادرات ۱۱ سند لازم است (World Bank Group, 2010). هزینه واردات به قزاقستان در میان همه کشورهای منطقه در پایین‌ترین سطح قرار دارد، حتی تعداد سندی که برای واردات و

صادرات کالا به قزاقستان لازم است در میان همه کشورهای منطقه از همه پایین تر است (White, 2010: 49-50).

در ازبکستان دولت که نقش برتر و رهبر را در پیشبرد فرایند اصلاحات اقتصادی برای خود حفظ کرد در حوزه تجارت خارجی نیز نقش برتر را برای خود حفظ کرد. اگرچه در سال ۱۹۹۵، نقش دولت در سهمیه صادراتی و نظام صدور مجوز از ۷۰ درصد به ۱۱ درصد رسید، بازهم بخش پنبه و گاز با بیش از نیمی از صادرات این کشور همچنان در اختیار بخش دولتی است. دولت انحصار خویش را بر بخش‌هایی همچون، پنبه، طلا و گاز و ۴۰ درصد از درآمدهای صادراتی حفظ کرده است (Eurasianet, 2008). این درحالی است که هم‌اکنون در قزاقستان سیستم صدور مجوز به میزان اندکی در اختیار دولت است و در مقایسه با ازبکستان بیشتر در اختیار بخش خصوصی است.

در ازبکستان سه نوع مالیات بر واردات وجود دارد: ۱. عوارض گمرکی بر واردات که ۵، ۱۰، ۱۵ و ۳۰ درصد است؛ مالیات غیرمستقیم که بر روی کالاهای وارداتی انجام می‌شود و سرانجام مالیاتی که بر کالاها در طول جاده‌های ورودی به کشور انجام می‌شود. نرخ تعرفه‌ها در این کشور ۵، ۱۰، ۱۵، ۳۰ و ۴۰ درصد است. نرخ تعرفه‌ها بر روی کالاهایی همچون اتومبیل، صنایع نساجی و مبلان بسیار بالا است؛ به‌گونه‌ای که حتی از میزان بیان شده بالاتر است (Anderson and Klimov, 2012). در قزاقستان وضع به‌شکل دیگر است و دولت با اعتماد به بخش خصوصی میزان تعرفه کالاهای خارجی را به زیر ۶/۷ درصد رسانده است، اگرچه در بخش‌هایی این میزان به ۱۴ درصد نیز می‌رسد (Anderson and Klimov, 2012).

ز) تنظیم دوباره هزینه‌های عمومی

دو دولت ازبکستان و قزاقستان همراه با یکدیگر تلاش کرده‌اند تا هزینه‌های مربوط به بخش‌های سلامت و آموزش را به‌عنوان دو بخش مهم از هزینه‌های عمومی افزایش دهند. به‌همین دلیل در هر دو کشور از ابتدای سال ۲۰۰۰ برای نوسازی شبکه‌های خدماتی و کارآمدی هزینه‌های مربوط به بخش سلامت اقدام‌هایی در دستور کار قرار گرفت. نتیجه این اقدام‌ها در ازبکستان، بالارفتن سن امید به زندگی از ۶۶ سال در سال ۲۰۰۳ به ۶۹ سال در سال ۲۰۱۲ بوده است (World Health Organization, 2015). ازبکستان باهدف تبدیل وضعیت کشور به وضعیت متوسط، برنامه‌هایی را در دستور کار قرار داد: طرح سلامت یک و طرح سلامت دو را برای سال‌های ۲۰۱۱-۱۹۹۸ در دستور کار قرار داده بود و تا حدودی نیز این برنامه‌ها به‌صورت موفقیت‌آمیز اجرا شدند. از سال ۲۰۱۲ برنامه سلامت سه را با حمایت و

دستورالعمل‌های بانک جهانی مورد توجه قرار داد که بر خدمات مراقبت از سلامت مرحله دوم متمرکز است (World Bank Group, 2015: 9-10).

قزاقستان نیز در تلاش است تا از راه اجرای برنامه‌های مختلف در بخش سلامت، امید به زندگی را در میان شهروندان قزاقی بالا ببرد. در سال ۲۰۱۳ امید به زندگی در میان قزاق‌ها ۷۰ تا ۷۵ سال بود (World Health Organization, 2015). برنامه توسعه‌ای مراقبت از سلامت دولتی در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵ از سلامت به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های کشور و پیش‌نیاز توسعه اقتصادی اجتماعی پایدار نام می‌برد. در زمینه آموزش نیز باید گفت که از سال ۲۰۱۰، قزاقستان جایگاه نخست را در همه شاخص‌های آموزشی یونسکو مانند دستیابی به آموزش ابتدایی با مقیاس جهانی (۹۹ درصد)، سواد بزرگسالان (۹۹ درصد) و برابری جنسیتی به دست آورده است. قزاقستان تعهد خود به بهبود وضعیت آموزش را با دستاوردهای ستودنی کنونی اثبات کرده است که دسترسی به آموزش‌های پیش‌دبستانی (از ۲۳ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۷۴ درصد در سال ۲۰۱۳)، آغاز آموزش و یادگیری نوآورانه از راه مدرسه‌های فکری نظریات و اختصاص سرانه ملی برای آموزش و ایجاد دانشگاه‌هایی برای آموزش و مهارت فنی و حرفه‌ای با عنوان دانشگاه‌های فنی نظریات را شامل می‌شود (World Bank Group, 2015: 5-7).

ح) حمایت از مالکیت

در قانون اساسی دو کشور قزاقستان و ازبکستان حق مالکیت و حق به دست آوردن سود، استفاده و فروش اموال به صورت رسمی تأیید شده است؛ اما در بخش اجرایی این قوانین با چالش‌هایی روبه‌رو است. برای نمونه، در ازبکستان حق مالکیت به اندازه کافی در مقابل دخالت خودسرانه و مصادره اعضای رژیم حاکم حمایت نمی‌شود. شرکت‌های خصوصی در عمل با موانع جدی روبه‌رو هستند. این موضوع به ویژه در بخش کشاورزی بیشتر به چشم می‌خورد. شرکت‌های دولتی و انحصارهای به وجود آمده به وسیله اعضای حکومتی و گروه مرتبط با حکومت همه بخش‌های تجاری راهبردی را در کنترل خویش گرفته‌اند و در مسائل شرکت‌های خصوصی دخالت می‌کنند.

در قزاقستان نیز قانون زمین و اصول مربوط به مالکیت دولتی زمین‌ها تصویب شد. هدف این بود که در سال ۲۰۰۱، حق مالکیت خصوصی بر زمین‌های کشاورزی محقق شود؛ با این وجود با مخالفت‌هایی از سوی پارلمان قزاقستان روبه‌رو شد. قانون جدید مربوط به زمین در سال ۲۰۰۳ تصویب شد که به مالکان خصوصی زمین‌ها اجازه می‌داد تا مالکیت کامل تمام دارایی خویش از جمله خرید و فروش را داشته باشند. مهم‌ترین نتیجه اقتصادی این

قانون به رسمیت شناختن حق مالکیت بر زمین‌های کشاورزی است (Spechler, 2008: 33). قانون رقابتی نیز در سال ۱۹۹۱ تصویب و در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ اصلاح شد که در چارچوب آن هرگونه فعالیت انحصاری یا دیگر فعالیت‌هایی که سبب محدودیت در رقابت شده یا آن را از بین می‌برد نیز منع شده است. این قانون همه نوع نهادهای اقتصادی، صرف‌نظر از نوع مالکیت، طبیعت و ساختار آن‌ها را دربرمی‌گیرد (World Bank Group, 2014: 42).

نتیجه

از دهه ۱۹۹۰ با حاکم شدن دیدگاه نولیبرال در عرصه اقتصاد سیاسی و موفقیت این الگوی توسعه در کشورهای غربی، قزاقستان و ازبکستان در تلاش برای دستیابی به توسعه اقتصادی و گذار از اقتصاد دستوری به اقتصاد بازار، سیاست‌های اقتصادی همچون اصلاح سیاست‌های پولی و مالی، آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی، حذف موانع گمرکی را در دستور کار خویش قرار داده‌اند و به موفقیت‌هایی نیز دست پیدا کرده‌اند. در این سال‌ها قزاقستان موفقیت‌های اقتصادی زیادی را به دست آورده است. برای نمونه، در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ در شمار موفق‌ترین اقتصادهای در حال گذار قرار گرفت، به گونه‌ای که رشد اقتصادی ۸ تا ۱۰ درصدی اقتصادی را تجربه کرد، میزان تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۲۰۱۱ نزدیک به ۲۲۴ میلیارد دلار بود، از نظر شاخص‌های توسعه بشری در جایگاه والایی در جهان قرار گرفت؛ اما ازبکستان در همین دوران با در پیش گرفتن سیاست اصلاحات اقتصادی تدریجی موفقیت اقتصادی چندانی را به دست نیاورد. برای نمونه، نرخ رشد اقتصادی این کشور به گفته مقام‌های صندوق بین‌المللی پول بین ۳ تا ۴ درصد و میزان تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۲۰۱۱ نزدیک به ۴۰ میلیارد دلار بوده است و از نظر شاخص‌های حقوق بشری این کشور جایگاه به نسبت پایینی را به خود اختصاص داد.

منابع

الف) فارسی

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، «تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۲، شماره ۵، صص. ۹۹-۱۱۶.
- عطایی، فرهاد و عابد نوروزی زرمهری (۱۳۹۴)، «تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر توسعه اقتصادی در قزاقستان»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۸، شماره ۱، صص. ۱-۱۸.

۳. کولایی، الهه و سیمین شیرازی موگویی (۱۳۹۵)، «تأثیر آزادسازی اقتصادی بر رشد جامعه مدنی در قزاقستان»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۹، شماره ۱، صص. ۱۵۰-۱۳۳.

(ب) انگلیسی

1. Akimov, Alexandr and Brian Dollery (2009), **The Uzbek Approach to Financial System Development: An Analysis of Achievements and Failures**, Australia: Griffith University, Department of Accounting, Finance and Economics.
2. Alam, Asad and Arup Banerji (2000), "Uzbekistan and Kazakhstan: A Tale of Two Transition Path", Available at: <http://econ.worldbank.org/external/default/main?pagePK>, (Accessed on: 16/11/2014).
3. Anderson, Brion and Yuriy Klimov (2012), "Uzbekistan: Trade Regime and Recent Trade Developments", Available at: <http://www.ucentralasia.org/Content/Downloads/UCA-IPPA-WP4Uzbekistan%20and%20Regional%20Trade.pdf>, (Accessed on: 1/6/2016).
4. Anderson, Kathryn H. and Richard Pomfret (2002), "Relative Living Standards in New Market Economies: Evidence from Central Asian Household Surveys", **Journal of Comparative Economics**, Vol. 30, No. 4, pp. 683-708.
5. Arakelyan, Maria (2013), "CIS Frontier Countries Economic and political Prospects", Available at: https://www.dbresearch.com/PROD/DBR_INTERNET_ENPROD/PROD0000000000317261/CIS_frontier_countries%3A_Economic_and_political_pro.PDF, (Accessed on: 5/12/2015).
6. **Asian Development Bank** (2005), "Private Sector Assessment for Uzbekistan", Available at: <http://www.adb.org/Documents/Reports/PSA/UZB/UZB-PSA.pdf>, (Accessed on: 11/1/2014).
7. **Asian Development Bank** (2013), Asian Development Outlook 2015, Financing Asia's Future Growth, Available at: <https://www.adb.org/sites/default/files/publication/159307/adbi-connecting-central-asia-economic-centers-final-report.pdf>, (Accessed on: 15/6/2016).
8. Aslund, Anders (2013), **How Capitalism Was Built: The Transformation of Central and Eastern Europe, Russia, and Central Asia**, Washington D.C.: Cambridge University Press.
9. Bendini, Roberto (2013), "Uzbekistan: Selected Trade and Economic Issues, European Parliament", Available at: [http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/briefing_note/join/2013/491518/EXPO-INTA_SP\(2013\)491518_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/briefing_note/join/2013/491518/EXPO-INTA_SP(2013)491518_EN.pdf), (Accessed on: 1/8/2014).

10. **BMA** (2013), "Macroeconomic Forecast Uzbekistan", Available at: <http://www.emergingeuropemonitor.com/file/164372/macroeconomic-forecast-uzbekistan.html>, (Accessed on: 11/11/2014).
11. Buchman, Andrew (2004), "The Uzbek Model of Development: Slow, Stable and Showing Success", Available at: <http://old.cacianalyst.org/?q=node/1807>, (Accessed on: 21/8/2013).
12. Cornia, Giovanni Andrea (2003), **Growth and Poverty Reduction in Uzbekistan in the Next Decade**, Tashkent: Centre for Economic Research.
13. De Melo, Martha, Cevdet Denizler, Alan Gelb and Stoyan Tenev (1997), "Circumstance and Choice: The Role of Initial Conditions and Policies in Transition Economies", Available at: <http://siteresources.worldbank.org/INTDECINEQ/Resources/demelo.pdf>, (Accessed on: 15/6/2015).
14. **Eurasianet** (2008), "Uzbekistan: Tashkent Strives to Diversify its Trade Partners", Available at: <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav031908.shtml>, (Accessed on: 1/8/2014).
15. **Export. Gov** (2014), "Doing Business in Uzbekistan: 2012 Country Commercial Guide for U.S. Companies", Available at: http://files.export.gov/x_8099675.pdf, (Accessed on: 1/11/2015).
16. Harvey, David (2005), **A Brief History of Neoliberalism**, New York: Oxford University Press.
17. Hindley, Brian (2008), **Kazakhstan and the World Economy: An Assessment of Kazakhstan's Trade Policy and Pending Accession to the WTO**, Brussels: Jan Tumlir Policy Essays.
18. **IMF** (2012), "Republic of Kazakhstan, Staff Report for the 2012 Article IV Consultation", Available at: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2012/cr0263.pdf>, (Accessed on: 12/11/2015).
19. Khusainov, B. and K. Berentaev (2004), "Kazakhstan: Problems of Developing Oil and Gas Sector and Improving the System for Tax Subsurface Users", **Central Asia and the Caucasus**, Vol. 5, No. 29, pp. 13-25.
20. Kulekeev, Zh.A. (2003), **Ekonomicheskaya Ponorama Kazakhstana za gody Nezavisimosti**, Astana: TOO "Klassika".
21. Mizuno, Mitsuru (2009), "The Finance in the Capital Market and Credit Rating in Uzbekistan", **Center for China and Asian Studies**, College of Economics, Nihon University, pp. 1-22, Available at: http://www.eco.nihon-u.ac.jp/center/ccas/pdf/ccas_wp015.pdf, (Accessed on: 10/10/2016).
22. Norregaard, John and Tehmina S. Khan (2007), "Tax Policy: Recent Trends and Coming Challenges", Available at: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2007/wp07274.pdf>, (Accessed on: 1/6/2016).
23. Pomfret, Richard (2008), "Kazakhstan's Banking Problems," Available at: <http://www.cacianalyst.org/?q=node/4798>, (Accessed on: 1/6/2015).

24. Pomfret, Richard (2011), "Resource Management and Transition in Central Asia, Azerbaijan, and Mongolia", Available at: <https://piie.com/publications/wp/wp11-8.pdf>, (Accessed on: 23/5/2016).
25. **PWC** (2014), "Guide to Doing Business and Investing in Uzbekistan", Available at: www.pwc.com/uz/en/DBG_2011.pdf, (Accessed on: 1/7/2014).
26. Spechler, Martin C. (2008), "The Economies of Central Asia: A Survey", Available at: <http://www.palgrave-journals.com/ces/journal/v50/n1/pdf/ces20083a.pdf>, (Accessed on: 12/5/2015).
27. Troschke, Manuela and Andreas Zeitler (2006), **Privatisation and Corporate Governance in Kazakhstan and Uzbekistan: Insights from a Corporate Survey in Food and Light Industries**, Munchen: Osteuropa-Institute.
28. **UNCTAD** (2011), "World Investment Report 2011", Available at: unctad.org/en/.../wir2011_en.p, (Accessed on: 15/11/2015).
29. Wandel, Jurgen and Botagoz Kozbagarova (2009) "Kazakhstan: Economic Transformation and Autocratic Power", Available at: https://www.researchgate.net/publication/279183719_KazaKhstan_Economic_Transformation_and_Autocratic_Power_Mercatus_Policy_Series, (Accessed on: 5/4/2015).
30. White, Kristopher D. (2010), "Geography, Policy, and Barriers to International Trade in Central Asia", **Central Asia Business Journal**, Vol. 3, pp. 44-54, Available at: <https://www.kimep.kz/files/BCB/v3/CABJ-3-44-54.pdf>, (Accessed on: 1/6/2016).
31. Williamson, John (2000), "What Should the World Bank Think about The Washington Consensus?", **The World Bank Research Observer**, Vol. 15, No. 2, pp. 251-264.
32. **World Bank Group** (2010), "Trading Across Borders", Available at: <http://www.doingbusiness.org/reports/global-reports/~media/WBG/DoingBusiness/Documents/Annual-Reports/English/DB12-Chapters/Trading-Across-Borders.pdf>, (Accessed on: 1/6/2016).
33. **World Bank Group** (2014), "Uzbekistan Partnership: Country Program Snapshot", Available at: www.worldbank.org/content/dam/.../Uzbekistan-Snapshot, (Accessed on: 1/12/2015).
34. **World Bank Group** (2015), "Kazakhstan Partnership Program Snapshot", Available at: <http://www.worldbank.org/content/dam/Worldbank/document/Kazakhstan-Snapshot.pdf>, (Accessed on: 12/4/2015).
35. **World Health Organization** (2015), "Uzbekistan", Available at: <http://www.who.int/countries/uzb/en/>, (Accessed on: 12/4/2015).
36. Zakov, Umar (2003), **Investment Climate in Kazakhstan, Country Report**, New York: United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.